



ادعای کذب غلامرضا شریعتی، نماینده بهشهر؛ سازمان حفاظت محیط زیست قانع شده که پروژه میانکاله انجام شود و دستگاه قضا نیز ابزادی به آن ندارد!

# پترویمی میانکاله بی ضرر است!



شریعتی

سر شلمون

خیرین، به این کار آفرین و تولیدکننده، برای تولید مواد پتروشیمی، کمک خیرخواهانه کرده‌اند و نزدیکی‌های میانکاله که یکی از زیست‌کره‌های ثبت شده جهان است (فدای یک تار موی گندیده افراد دغدغه‌مند پیشرفت اقتصادی جامعه) فضایی در حدود ۹۰ هکتار، ۹ برابر طرح‌های مشابه، را اهدا کردند. اکنون ما مردم خترو نوع دوست، برای چرخش اقتصادی کشور و رفع مشکلات مالی این تولیدکننده از مسئولین می‌خواهیم تا در تصویب اجرای این طرح و مجوز آن، مساعدت کنند. هر دفعه این پروژه با کمترین سرمایه و بدون حتی تصویب طرح و مجوز، شروع به کار می‌کند تا از هر فرصتی برای پیشرفت کشور استفاده شود. اما یک عده افراد حسود و بخیل باعث توقف کار می‌شوند.

آیا در اثبات نیت خیر این تولیدکننده، گفتن تبریک عید غدیر در شبکه استانی به مردم مازندران، کافی نیست؟ از نسل‌های آینده خواهیم‌ندیم از ما کارهای سخت نخواهند. ما رونق اقتصادی را برای شما ایجاد می‌کنیم، به هر قیمتی؛ حتی با از بین رفتن محیط زیست؛ شما اکسیژن، هوای پاک و محیط زیست سالم را چشمتان کور، خودتان ایجاد کنید.

پیشرفت کردن و داشتن جامعه پیشرفته، آرزوی هر بشری است. برای رسیدن به این هدف، مسئولین و مردم باید دست به دست هم بدهند تا موانع برطرف شود. چرا برای تصویب کردن طرحی سودآور، مانع تراشی می‌شود؟ ما در قبال آیندگان در ایجاد رونق اقتصادی جامعه، مسئولیم. این همه مکان‌های زیست محیطی در جهان زیر نظر سازمان محیط زیست است، یکی فدای مصلحت اقتصادی جامعه شود. ما نمی‌توانیم برای نسل آینده هم پیشرفت را پایه‌ریزی کنیم، هم محیط زیست را حفظ کنیم. حالا می‌خواهد «میانکاله» - که در سال ۱۳۵۵ به ثبت جهانی یونسکو رسیده است - باشد، که باشد.

مجری طرح پتروشیمی میانکاله هم بنده خدا پول لازم است. از سال ۱۳۹۴ که ۵۸ میلیون یورو وام گرفته، هنوز نتوانسته به خاطر مشکلات طرح اقساطش را پرداخت کند. بانک هم با کسی شوخی ندارد و بین مراجعین خود فرقی نمی‌گذارد. اگر مجری طرح بعد از حدود ۱۰ سال نتوانست اقساطش را پرداخت کند، ممکن است دوباره فقط ۱۰ سال دیگر به او مهلت بدهند.



فالگیر

مجید نجفی

اولین فال، متعلق به کسانی است که متولد ۶ ماه اول سال هستند.

از من گذشت و من هم از او بگذرم ولی

با چون منی به غیر محبت روانبود

تفسیر: متأسفانه دو طرف بر سر مهریه، شیربها و خرید کالا به نتیجه نرسیدند و شاعر در یک حرکت انتحاری با یک بیت شعر قصد جلب توجه داشته که محبوب را تحت تاثیر قرار دهد. اما او توجهی نکرده و پاسخ او را با عنوان "تموم شد؟ خیلی تاثیرگذار بود" داده است.

دومین فال متعلق به متولدین زمستان است. متولدین فصل پاییز تا شماره بعدی بروند سماق بکنند.

به هوش بودم از اول که دل به کس نسپارم

شمایل تو بدیدم نه عقل ماند و نه هوشم

تفسیر: شاعر در اینجا تازه از قیمت سکه باخبر شده و از آنجا که با منزل، بحث کرده، حالا در قالب شعر، از او تعریف می‌کند تا مبادا دعوی در پروز یادش بیاید، او وجد و آبادش را به باد دهد.

فکر نکنم متوجه بشین دشون چیه. بذارید تو خوندنش کمکتون کنم. دشون. حالا که تونستین بخونین شاید فکر کنین یکی که سرما خورده می‌خواد بگه «نشون»! ولی اگه بینی تون رو بگیرین و بگین نشون متوجه میشین این حدس درستی نیست. چون در این صورت باید می‌گفت «دشودا»!

خب بیشتر معطلتون نکنم شما کار دارین ما هم زندگی! دشون به طرفی کوزه مانند گفته می‌شه که توش به روش سانتریفیوژ از دوغ، کره می‌گیرن! به طوری که دوغ رو می‌ریزن توی دشون و محکم تکون می‌دن. به اصطلاح «دوغ رو دشون می‌زنن». انقدر این کار رو تکرار می‌کنن تا چربی‌های دوغ ازش جدا بشه و چون چربی کره سبکه، میاد بالا و توسط دشون‌زن، جمع‌آوری شده و به قیمت خون پدر لبنیاتی محترم به ما فروخته می‌شه. پایان.

کرامات‌نامه

مردیان و تابستان

سید محمد صادق پورمرشد



روح... طهماسبی

در یکی از روزهای گرم تابستانی، یاران و مردیان به همراه شیخ راهی گرمابه بزرگ شهر - که دارای انواع ابزار لیز خوردن و بازی یا به قولی سرمه بود - شدند. کوچک و بزرگ با تن پوش مخصوص (مایو) به آب تنی سرگرم گشتند و هرم گرمای تابستان را با خنکای آب زدودند. برخی به همراه شیخ به یکباره درون حوض عمیقی می‌پریدند که ابتدا تعجب همگان را برانگیخت. ولی بعداً کاشف به عمل آمد که جهت بخشایش گناهان، غسل توبه‌ای ارتماسی می‌نمودند! تعدادی از مردیان هم مزاح‌هایی به سبک آن حیوان باربر، می‌کردند. تلفات زیادی از آن‌ها گرفت و شیخ را بر آن داشت تا برای جلوگیری از صدمات بیشتر مردیان را گرد هم بیاورد. در همین حین فرزند یکی از مردیان در راستای شوخی‌های پیش آمده، گستاخی را به حد رسانده و زیر پای شیخ را مانع گذاشته تا شیخ واژگون گشت و درون حوض آب سرد سقوط کرد. مردیان که خشم از وجودشان می‌بارید

به سمت طفل گستاخ حمله‌ور شدند که شیخ قل‌قل‌زنان از زیر آب بیرون آمده و مانع تنبیه شدید طفل شد و سپس از حال رفت. مردیان که مستاصل شده بودند به هردست‌اویزی متوسل می‌شدند. تا اینکه یکی از مردیان فکر بکری به ذهنش خطور کرد و بی‌محابا شیخ را به درون حوضچه‌ی آب گرم انداخت و بلافاصله بیخ از شیخ زدوده شد و شیخ به هوش آمد. ناگهان شیخ ندا داد که «عجب خلسه‌ی خفتی! برویم همه‌ی شما را آب‌هویج مهمان کنم». مردیان - که از وعده‌ی آب‌هویج شاد و مسرور گشته و سرزایا نمی‌شناختند - یادشان رفت که از شیخ نکته‌ی عبرت‌آموز این حکایت را بی‌پرسند. شیخ نیز حالش را ندانست که بازگو کند. فلذا رفتند تا از تابستان داغ خویش در کنار خانواده لذت ببرند.

## اطلاعی‌های صفحه‌ی جیک!

به تازگی اعلام شد «نرخ باروری کشور پس از سال‌ها روند نزولی، امسال روند صعودی پیدا کرده و ۰.۱ افزایش داشته است.» بدین وسیله تحریریه شلمون نتیجه‌ی چهار شماره انتشار جیک با رویکرد جوانی جمعیت را رضایت‌بخش و به سرمنزل مقصود رسیده می‌داند. نظر به حل شدن معضل پیری ایران، ظاهراً دیگر جای نگرانی نیست و از این شماره، جیک بحران جمعیت به کار خود پایان می‌دهد.



فاطمه ندیمی

به رغم مخالفت سازمان محیط زیست با ساخت مجموعه پتروشیمی در مجاورت تالاب میانکاله، گزارش‌ها حاکی از فعالیت مجدد این پروژه در چند کیلومتر دورتر از مکان قبلی است.

- جراید

از فواید راه‌اندازی پروژه‌ی مذکور در این منطقه می‌توان موارد زیر را نام برد: تخریب مراتع حسین‌آباد و لاله‌مرز توسط ماشین‌های راه‌سازی و فنس‌کشی، خروج میانکاله از فهرست بین‌المللی ذخیره‌گاه‌های زیست‌کره یونسکو، از بین رفتن دامداری بومی منطقه (بیکاری بیش از ۷۰ دامدار)، از بین رفتن صیادی بومی منطقه (بیکاری بیش از ۶۰ صیاد)، آلوده و سمی شدن خاک و محیط زیست میانکاله، دیوی پسماند سمی پتروشیمی در منطقه، مسمومیت تالاب، بروز بوتولیسم و شوری آب، از بین رفتن گونه‌های بومی میانکاله... و باز هم هست ولی فعلاً با همین موارد حال کنید.





## توی دِه نمک سود

سیده فاطمه حسینی

توی ده نمک سود  
مش رمضون تنها بود  
نه مش حسن نه حاج صمد  
هیچکی بهش سر نمی زد  
مش رمضون داشت یه پسر  
ولی ارزش نداشت خبر  
چند روزی مش رمضون  
مریض شد و پریشون  
پولی واسه دکتر نداشت  
سرش رو بالش می داشت

ناله می کرد و داد می زد  
اسم پسر رو فریاد می زد  
همسایه ها که فهمیدن  
دنبال بچه چرخیدن  
پسرشو پیدا کردن  
مرجوع به بابا کردن  
مش رمضون گفت به پسر:  
کجا بودی جان پدر؟  
گفتی می ری پی کار  
گم شدی توی بازار؟  
رفته بودی کافی نت؟  
دوستام یه روز دیدنت

پسر اومد پیش پدر  
گفت: بابا چون دارم خبر  
من تو رو بیمه کردم  
خرجاتو نیمه کردم  
نگو حواسم بهت نبود  
دلَم بود از دوریت کیبود!  
همسایه ها گفتن به او  
پولدار شدی؟ بگو بگو  
جوابشونو داد پسر  
پول کجا بود جان پدر

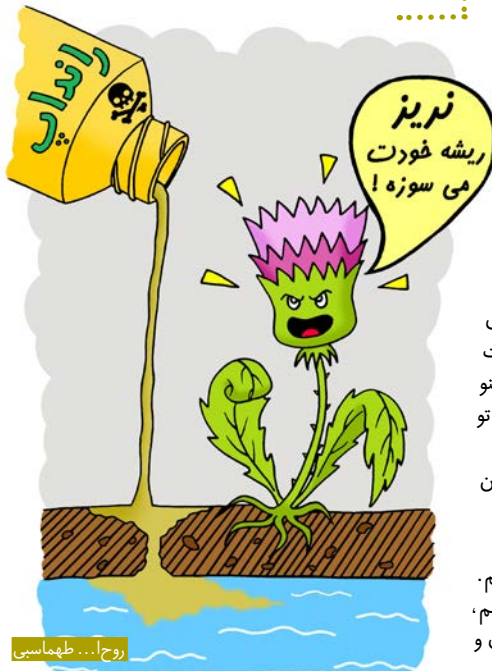
هشدار کارشناسان به کشاورزان و مسئولین:  
مصرف علف کش رانداپ (Roundup)، عامل بسیاری از  
بیماری های انسانی و سرطانی و همچنین، آثار جبران ناپذیر  
زیست محیطی (همچون آلودگی خاک و آب) است.



## برق رایگان

سید علی رضا مهدوی زاده

- چرا دستات می لرزه؟ پارکینسون گرفتی؟  
+ نه! قبض برق اومده برام تو تابستون، سه میلیون،  
رعشه گرفتم.  
- تو چرا می لرزی؟  
++ هیچی بابا! رفته خونه اجاره کنم، هیچ جا بهم با صد  
میلیون، خونه نمی دادن. یه جا بالاخره پیدا شد و اجاره اش  
کردم، ۵۰ متریه، طبقه پنجم، بدون آسانسور، درش خرابه،  
سیم کشی برقش مشکل داره، شبا باهاس به در تکیه بدی  
بخوابی که دزد داخل نیاد. همین دیشب - که میخواستم پشت  
در بخوابم، حواسم نبود روی سیم لخت برق نشستم، برق منو  
گرفت، هنوزم ولم نمی کنه و داره نصف تنمو می لرزونه، تو چی؟ تو  
مشکلی نداری؟ تورو برق نگرفته یا قبض برق برات نیومده؟  
- نه خداروشکر، مشکل قبض برق یا برق گرفتگی ندارم. واسه من  
برق رایگانه!  
+ چطور؟ آقا زاده ای؟  
- نه، واسه چی؟ زیر چراغ برق شهرداری، تو خیابون می خوابم.  
ازون موقعی - که بانک به علت پرداخت نکردن دیرکرد وامم،  
خونه مو گرفت - خداروشکر مشکل پرداخت قبض آب و برق و  
گازم حل شد...



روح... طهماسبی

کاری از کارگروه طنزستان طبرستان  
سردبیر: مریم صدیقی



کاربکاتور جلد: سید محمد جواد طاهری